

## بررسی تحلیلی مفهوم و مصداق «قائم» در روایات شیعی

مسلم کامیاب<sup>۱</sup>

### چکیده

واژه «قائم» یکی از پرسامدترین واژگانی است که در روایات مهدوی منعکس شده؛ اما در مطالعات حدیثی، به طور جامع و مستقل به این واژه پرداخته نشده است. از طرف دیگر، سوء استفاده برخی از جریان‌های انحرافی از روایات قائم و کاربرد آن در مصداق خاص، ضرورت پرداختن به این واژه را دو چندان می‌کند. نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس اطلاعات داده محور به فرجام رسیده است؛ تلاش دارد، ضمن تبیین واژه «قائم» و بررسی آن در منابع شیعی، تا حد امکان تصویری روشن از این واژه ارائه کند. این پژوهش نشان می‌دهد واژه مذکور، در دو مصداق مورد توجه بوده است: قائمیت اهل بیت و قائمیت امام مهدی علیه السلام. مصداق پایانی که کارکردهای مختلفی، از جمله گسترش عدالت و تشکیل حکومت جهانی دارد، تنها در مورد امام مهدی علیه السلام به کار رفته و اهل بیت، ضمن نفی قائمیت موعود از خود، آن را به امام مهدی علیه السلام منحصر دانسته‌اند و روایتی مبنی بر تعدد دو قائم در دوران ظهور وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** حدیث امامیه، مهدویت، قائم، قائمیت اهل بیت، قائمیت امام مهدی، جریان‌های انحرافی مهدویت.

در بسیاری از اسناد و متون روایی شیعه، به جای تصریح به اسم یا کنیه ائمه، از آنان با «القاب» یاد شده است. در مورد امام مهدی علیه السلام در منابع روایی، زیارات و نیز کتاب‌های رجالی و شرح حال امام عصر علیه السلام، بالغ بر صد اسم، کنیه و لقب برای آن حضرت عنوان شده است.<sup>۱</sup> البته برخی از آنها نمی‌توانند لقب یا کنیه آن حضرت باشند، بلکه واژه‌هایی هستند که برای آن حضرت در متون روایی یا زیارات برای وصف حضرت به کار رفته، یا بدون هیچ گونه مستند معتبری به اشتباه به آن حضرت منسوب شده‌اند.<sup>۲</sup> در این بین، یکی از مشهورترین القاب امام مهدی علیه السلام «قائم» است که در منابع روایی، فراوان به آن اشاره شده است.

از آن جا که بار معنایی این لقب همواره با قیام و گسترش عدالت گره خورده است؛ در طول تاریخ، مدعیان دروغین تلاش کرده‌اند با قیام و ادعای گسترش عدالت، خود را مصداق قائم و موعود پایانی بدانند. امروزه برخی دیگر از جریان‌های انحرافی، مانند جریان احمد بن اسماعیل بصری، علاوه بر اعتقاد به قائمیت امام مهدی علیه السلام، احمد بن اسماعیل را قائم می‌دانند و به تعدد قائم معتقدند.<sup>۳</sup> تمسک آنان به ادعای قائمیت، بر اساس روایات شکل گرفته و لذا ضرورت بررسی این واژه و بازتاب آن در منابع حدیثی قابل درنگ است که می‌توان این نکته را در چند پرسش مطرح کرد: این واژه در منابع فریقین به چه نحو گزارش شده است؟ قائم در روایات در مورد چه فرد یا افرادی به کار رفته است؟ آیا مقصود از قائم در روایات فردی خاص است؟ بر فرض اثبات انحصار به فردی خاص، ادعای قائمیت

۱. رک: حسین بن محمد نوری، نجم الناقب، ج ۱، ص ۸۵-۱۷۹، احمد سعیدی، اوصاف المهدی، ص ۹-۲۱۵. در این کتاب ۵۰۹ اسم، کنیه و لقب آمده است.

۲. برای نمونه‌های غیر معتبر القاب، رک: محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۲ و هادی حجت، نقدی بر انتساب لقب و کنیه‌ای ناسازوار به امام عصر، مجله علوم حدیث، ص ۶۷-۸۲.

۳. بازتاب ادعای این مدعی را می‌توان در این منابع ملاحظه کرد: الجواب المنیر، بیان الحق، جامع الادله، الاربعون حدیثا فی المهدیین و الذریه، رساله فی وحدۃ شخصیه المهدی الاول و القائم و الیمانی، پژوهشی درباره یمانی و گفت‌وگویی داستانی دعوت مبارک یمانی (به ترتیب: احمد اسماعیل بصری، الجواب المنیر، ج ۷، ص ۱۶۵-۱۸۰، بیان الحق و السداد من الاعداد، ج ۱، ص ۱۷، ابو محمد الانصاری، جامع الادله، ص ۲۲۵-۲۲۶، ناظم العقیلی، الاربعون حدیث فی المهدیین و ذریه القائم، ص ۵۰، علاء السالم، رساله فی وحدۃ شخصیه المهدی الاول و القائم و الیمانی، ص ۵-۷، ناظم العقیلی، پژوهشی درباره یمانی، ج ۳، ص ۷-۱۶ و عبدالعالی المنصوری، گفت‌وگویی داستانی دعوت مبارک یمانی، ج ۱، ص ۶۴.

گروه‌ها و افراد دیگر چگونه پاسخ داده می‌شود؟

نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، در صدد پاسخ به سوالات مذکور است. آنچه در این زمینه مفروض است، این که «قائم» در لغت به معنای بر پا خاسته است؛ اما به سبب کاربست فراوان آن در امام مهدی، هر گاه از آن یاد می‌شود، به وصف و لقب امام مهدی انصراف دارد، مگر آن که قرینه ای برخلاف آن وجود داشته باشد.

## ۱. واژه قائم

«قائم» اسم فاعل از ریشه «ق- و- م»<sup>۱</sup> است؛ اما در آن اعلال صورت گرفته است: قاوم (حرف عله «واو» بعد از الف زاید به همزه تبدیل شده و به شکل قائم در آمده است). قائم در لغت، به معنای به پا خاسته و قیام‌کننده بر امری است که جمع آن «قُوم» «قُوم» «قُوم» «قُوم» «قُوم» و متضاد آن «قعود» عنوان شده است و معانی آن با توجه به موضوعات، مختلف است.<sup>۳</sup> در لغت‌نامه‌ها برای «قائم» کاربردهای معنایی دیگری بیان کرده‌اند؛ مانند: «قام قائم الظهیره». این جمله وقتی کاربرد دارد که خورشید در وقت ظهر آرام حرکت می‌کند و بیننده گمان می‌کند که خورشید متوقف شده است.<sup>۴</sup> همچنین گفته می‌شود «قائم السیف»؛ یعنی دسته شمشیر<sup>۵</sup>، یا «القائم بالدین»؛ یعنی متمسک و پاینده به دین، ثابت‌قدم در دین و یا این که می‌گویند.<sup>۶</sup>

«قائم» در اصطلاح حدیث شیعی، صفتی است از اوصاف امام مهدی که به ستایش او ناظر و به آن شهرت یافته است.

۱. قوم به جماعتی از مردم یا به گروهی از مردان گفته می‌شود (حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، ص ۶۹۰).

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، ص ۶۹۰، خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۲۳۳ و اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۶، ص ۵۹.

۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۳۴۹.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۲۳۲.

۵. همان.

۶. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۰۰.

## ۲. بررسی قائمیت امام مهدی علیه السلام در منابع شیعی

بر اساس اطلاعات داده محور، اولین گزاره اصطلاح «قائم» با مصداق امام مهدی علیه السلام از کتاب سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶ق) به دست رسیده است. خزاز رازی (قرن ۴ق) با سند خود از سلیم بن قیس روایت کرده است که پیامبر اسلام نهمین فرزند از نسل امام حسین را «قائم» معرفی کرد.<sup>۱</sup> پس از کتاب سلیم، در کتاب اصول سته عشر در سه اصل زید الزراد<sup>۲</sup>؛ ابی سعید عصفری<sup>۳</sup> و جعفر بن محمد حضرمی<sup>۴</sup> واژه قائم به کار رفته است. کلینی در کتاب الکافی احادیث این سه اصل را با اندکی تفاوت نقل کرده است.<sup>۵</sup> از آن جا که در انتساب یا نسخه دو اثر پیش گفته - سلیم بن قیس و اصول سته عشر - تشکیک شده است،<sup>۶</sup> اولین منبع معتبر و مکتوب که واژه قائم در آن به کار رفته، قرب الاسناد حمیری است.<sup>۷</sup> پس از آن، در منابع حدیثی متقدم دیگری چون تفسیر قمی<sup>۸</sup>، النوادر<sup>۹</sup>،

۱. علی بن محمد خزار قمی، کفایة الاثر، ص ۴۶.

۲. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، اصل زید الزراد، ص ۶.

۳. همان، اصل ابی سعید عصفری، ص ۱۵.

۴. همان، اصل جعفر بن محمد حضری، ص ۷۱.

۵. به ترتیب اصلها: الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۱، ص ۵۳۴ و ج ۲، ص ۲۳.

۶. درباره سلیم ر.ک: خوبی، معجم الرجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۱۷ - ۲۲۸ و اسلام ملکی معاف، مؤلف کتاب اسرار آل محمد بر ترازوی نقد، مجله مطالعات قران و حدیث، ص ۱۴۹-۱۸۲. ۱۳۸۷. شماره دوم. درباره اصول سته عشر باید گفت قدیمی ترین نسخه آن توسط شیخ حر عاملی به دست آمده است. شیخ حر عاملی ضمن اعتماد به این نسخه به احادیث آن اطمینان دارد، زیرا احادیث آن در کتابهای معتبر مانند کافی موجود است. مواردی هم که در اصول و کتابهای معتبر نیست، دارای مؤید است و یا در آن احادیث منکر نقل نشده است. مجلسی اصل حضرمی را بنا بر نسخه ای قدیمی از منصور بن الحسن بن الحسن الآبی (۴۲۲ ق) از محمد بن الحسن القمی (۳۷۴ ق) نقل کرده است. قمی هم از ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری از محمد بن همام عن حمید بن زیاد از أحمد بن زید بن جعفر الأزدي البزاز از محمد بن المثنی روایت کرده است. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۴۴).

۷. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵، ۸۰، ۳۱۷، ۳۳۰، ۳۷۱ و ۳۷۴.

۸. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۳، ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۴۵، ۲۷۵، ۲۷۸، ۳۱۷، ۳۲۷ و ۳۴۰.

۹. منسوب به احمد بن محمد اشعری، النوادر، ص ۱۷۳. اصل النوادر به حسین بن سعید اهوازی متعلق است (ر.ک: محمد باقر ملکیان، کتاب المشتهر به "نوادر أحمد بن محمد بن عیسی" مجله الاجتهاد و التجدید، شماره ۴۴، ص ۳۴۱-۳۵۰)

محاسن<sup>۱</sup>، بصائر الدرجات<sup>۲</sup>، تفسیر عیاشی<sup>۳</sup>، الکافی<sup>۴</sup> و آژیه قائم نقل شده است. همچنین در سه کتاب اختصاصی مهدوی: الغیبه نعمانی<sup>۵</sup>، کمال الدین و تمام النعمه<sup>۶</sup> و الغیبه طوسی<sup>۷</sup> و آژیه مذکور فراوان نقل شده است. در این باره بیشترین احادیث از صادقین ملاحظه.

### ۳. بررسی مصداق قائم

برای کشف مصداق قائم، بررسی روایاتی که در این زمینه ذکر شده‌اند، ضروری است. در این روایت بر دو مصداق آن تأکید شده است:

#### ۱-۳. قائمیت اهل بیت

روایاتی که به قائمیت اهل بیت اشاره دارند؛ دو گونه ذکر شده‌اند:

#### ۱-۱-۳. روایاتی که تمام اهل بیت را قائم می‌داند

در این معنا، وصف قائم، تمامی ائمه را شامل است و هر امامی در زمان خود قیام کننده به او امر الاهی است. عباراتی مانند: «الإمام...قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ امام قیام کننده به امر خداوند است»<sup>۸</sup>؛ «كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ تمامی ما اهل بیت قیام کننده به امر خداوندیم»<sup>۹</sup> و «الإمام...القَائِمُ

۱. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۶۱، ۸۷، ۸۸، ۱۵۶، ۱۷۳، ج ۲، ۳۲۰ و ۳۲۹.

۲. محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۱، ۲۸، ۷۸، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۵۳، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۳، ۲۵۹، ۳۳۶، ۳۵۶، و...

۳. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ۲۵، ۳۰۷، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۹۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۳۱، ۴۲۹، ۴۲۶، ۴۳۶ و...

۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۲۵، ۵۹، ۶۷، ۸۶، ۹۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۱ و...

۶. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱، ۵۵، ۷۷، ۱۴۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۲، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۸۰، ۲۸۷ و...

۷. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۹، ۴۵۶ و...

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۹. همان، ج ۱، ص ۵۳۶.

المُرْتَجَى؛ امام قیام‌کننده امیدبخش است»<sup>۱</sup>؛ نشان‌دهنده این معناست. در این زمینه مرحوم کلینی در کتاب الکافی بابی با عنوان «ان الائمه کلهم قائمون بامرالله»؛ با ذکر چند روایت به این نکته پرداخته است.<sup>۲</sup> ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام راجع به امام قائم علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمود:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاجِدُ بَعْدَ وَاجِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛ همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید؛ چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده است، می‌آورد.<sup>۳</sup>

در روایت ذکر شده، وصف قائم تمامی ائمه را شامل است. نکته در خور توجه آن است که گرچه در این دست روایات، از وصف قائم استفاده شده است؛ در معنای قائم موعود با کارکرد عدالت‌گستری به کار نرفته؛ بلکه مراد از قائم، قیام‌کننده به امر امامت، سرپرست امور شیعیان بر دنیا و آخرت و حافظ شریعت نبوی از تحریف دشمنان است.<sup>۴</sup>

بر اساس همین تفسیر است که وقتی از امام باقر علیه السلام راجع به قائم سؤال شد؛ حضرت دست خود را به امام صادق علیه السلام زد و فرمود: «به خدا که این قائم آل محمد است.» عنبسه می‌گوید: چون امام باقر علیه السلام وفات کرد، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و این خبر را به ایشان دادم؛ حضرت فرمود: «جابر راست گفته است.» سپس فرمود: «شاید شما عقیده ندارید که هر امامی، بعد از امام پیش از خود قائم است؟»<sup>۵</sup>

طبق این بیان، هر امامی در دوران خود قائم به امر خداوند است و پس از شهادت، این مسئولیت به امام دیگری واگذار می‌گردد و این فرایند تا ظهور قائم موعود ادامه دارد.

بنابراین، کاربرد قائم در این نوع روایات، برای اهل بیت قطعا به معنای گستراننده عدالت در تمام جهان و ایجاد حاکمیت مطلق اسلام نیست و تنها می‌تواند به عنوان قائم به اوامر الهی، با توجه به

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۵۳۶-۵۳۷.

۳. همان، ص ۵۲۵ و ۵۳۶.

۴. علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۷.

شرایط زمان تلقی گردد. البته برخی از روایات به طور خاص، به قائمیت برخی اهل بیت اشاره دارند. تعدادی از این گزارش‌ها به قائم بودن امام علی علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام اشاره کرده‌اند؛ مانند آنچه پیامبر ص درباره امام علی علیه السلام فرمود: «وَ أَنْتَ الْإِمَامُ لِأُمَّتِي وَ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ فِي رَعِيَّتِي؛ پیشوای امت منی، و تو به پادارنده عدالت در میان رعیت منی.»

در این دست روایات، قائم با واژه «قائم بالقسط» ذکر شده است که به دوران حکومت امام علی علیه السلام و آغاز قیام امام حسین علیه السلام ناظر است. بدیهی است که اگر امامی زمام حکومت را به دست گیرد، یکی از اهدافش اقامه قسط در جامعه است. در دوران حکومت امام علی علیه السلام، این مسئله قابل صدق است و می‌توان امام علی علیه السلام را به پا دارنده عدالت نامید؛ اما اقامه عدالت در دوران ایشان در محدوده زمانی و مکانی خاص شکل گرفت و به سبب دشمنی‌های حاکمان بنی امیه اقامه عدالت شکل جهانی به خود نگرفت. درباره امام حسین علیه السلام نیز ترسیم اهداف قیام خود، در تبیین جایگاه امام‌اند که یکی از شئون امام اقامه قسط است. بنابراین، کاربرد قائم مثل موارد قبل به معنای گستراننده عدالت در تمام جهان و ایجاد حاکمیت مطلق اسلام نیست و تنها می‌تواند به عنوان قائم به اوامر الهی، با توجه به شرایط زمان شمرده شود.

## ۲-۱-۳. قائمیت امام موسی بن جعفر

در برخی گزارش‌ها، در مورد امام کاظم علیه السلام توصیفات آمده مبنی بر این است که ایشان قائم موعود و پایانی است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

ابْنِي هَذَا يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ عَ هُوَ الْقَائِمُ وَ هُوَ مِنَ الْمَحْتَوَمِ وَ هُوَ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ این پسر من؛ یعنی ابو الحسن [= موسی علیه السلام] قائم است و این از امور حتمی است و او زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ظلم و جور آکنده شده باشد.

این روایت و مشابه آن، با روایاتی که امام مهدی را به عنوان قائم موعود با همان کارکرد عدالت

۱. شیخ مفید، الامالی، ص ۱۷۴. فرات کوفی در تفسیر خود در این زمینه روایت دیگری از پیامبر خدا نقل کرده است (ر.ک: فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۵۵).

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۸. در این زمینه روایات دیگری نیز ذکر شده است (ر.ک: الغیبه طوسی، ص ۴۸ و عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۳۰).

گستری معرفی می‌کنند، همخوانی ندارند و به نوعی با آن‌ها متعارض‌اند. در پاسخ به آن می‌توان چند نکته را ذکر کرد:

الف) روایت مذکور و شبیه به آن، توسط شیخ طوسی در کتاب الغیبه نقل شده است. ایشان که برخی از روایات واقفیه را از کتاب «فی نصره الواقفة» نقل کرده است<sup>۱</sup> در نقد مستندات واقفیه، بر خبر واحد بودن این روایات تأکید دارند، مراد وی از اخبار واحد، نقل آن تنها در کتاب‌های واقفیه است و در آثار امامیه از این اخبار اثری وجود ندارد. شیخ معتقد است قانمیت امام مهدی از امور مسلم است و با این اخبار واحد نمی‌توان در آن امر مسلم خدشه کرد. تنها دلیل ذکر این گونه روایات از سوی ایشان بررسی و نقد آن‌ها بوده است و از اساس، در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شود.

ب) این روایات شائبه جعل و تحریف دارد؛ چرا که معرفی امام کاظم علیه السلام به عنوان مهدی موعود و قائم آل محمد از اساسی‌ترین مولفه فرقه واقفه به شمار می‌رود. با القای این اندیشه در میان شیعیان اعتقاد به بازگشت امام کاظم علیه السلام و قیام او تثبیت می‌شد و وکلای امام به عنوان نمایندگان مشروع قائم که اکنون در غیبت است، همچنان در مقام خود باقی می‌ماندند. برای ایجاد پذیرش این عقیده در میان شیعیان به نصوصی نیاز بود که موجب جاهت شرعی آنان گردد. از این رو رهبران واقفه روایاتی را بیان می‌کردند که به نقل از امامان پیشین بر قائم بودن امام کاظم علیه السلام تأکید می‌کرد. بنابراین بخشی از روایاتی که بر قانمیت امام کاظم علیه السلام تأکید دارند، بر ساخته واقفیه هستند. شاهد این مطلب، وجود راویان واقفیه، مانند جعفر بن سماعه<sup>۲</sup> در روایت اول است. همچنین روایت دیگری از کشی است که ضمن تأکید بر واقفی بودن زرعه بن محمد حضرمی نوشته است: حسین بن قیاما گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم، پدرت چه کرد [عاقبت ایشان چه شد] گفت: «در گذشت، چنان که پدرهای آنان نیز درگذشتند.» گفتم: با این حدیث که از طریق سماعه بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، چه کنیم؟ فرمود: در این فرزندم [کاظم]، شباهت پنج پیامبر وجود دارد: مورد حسد قرار می‌گیرد؛ همچنان که به یوسف علیه السلام حسد ورزیده شد و غایب می‌گردد، همچنان که حضرت یونس علیه السلام غایب شد... و سه شباهت دیگر را ذکر کرد. امام رضا علیه السلام در پاسخ پرسش من فرمود: «زرعه، دروغ گفته و سخن را برگردانده است و حدیث سماعه، این گونه نیست. سماعه چنین نقل کرده است که امام

۱. این کتاب تالیف یکی از واقفیان، به نام ابو محمد علی بن احمد علوی موسوی است.

۲. شیخ طوسی، رجال، ص ۳۳۴.



صادق عليه السلام فرمود: «در صاحب الأمر [= یعنی قائم] شباهت پنج پیامبر وجود دارد و ابنی را نگفته است.<sup>۱</sup>»

ج) مجموعه ای از روایات وجود دارند که به طور ویژه قائمیت امام کاظم عليه السلام را نفی می‌کنند. این روایات را شیخ طوسی در ابتدای کتاب الغیبه خود گزارش داده است. حسن بن حسن می‌گوید: به محضر امام کاظم عليه السلام عرض کردم:

[اجازه می‌فرمایید] از شما مطلبی بپرسم؟ حضرت فرمودند: «از امامت بپرس.» گفتم: چه کسی [برای جانشینی] مورد نظر شماست؟ من امامی غیر از شما نمی‌شناسم. حضرت فرمودند: «علی، پسر من، که من کنیه خودم را به او بخشیده‌ام.» گفتم: آقای من! مرا از آتش جهنم نجات بده و خلاصم کن. چون امام صادق عليه السلام فرمودند که شما قائم به امر امامت هستید. حضرت فرمودند: «مگر من قائم به این امر نیستم؟» بعد فرمودند: «ای حسن! هر امامی که در امتی پیشوا و قائم به امر ولایت است، او قائم ایشان است و هرگاه از دنیا برود، کسی که پس از اوست، همان قائم به امر و حجّت خداست، تا زمانی که قائم و حجّت از مردم غایب شود. بنابراین، همه ما قائم هستیم. پس آن گونه که با من رفتار می‌کردی [و ولایت مرا پذیرفتی]، با پسر من، علی همان طور باش.<sup>۲</sup>»

## ۲-۳. قائمیت امام دوازدهم

ترکیب و بافت واژه «قائم» با مصداق امام مهدی در روایات، به صورت متنوع آمده و در بیش‌ترین روایات، بدون هیچ گونه قید به طور مطلق ذکر شده است.<sup>۳</sup> اما در برخی روایات این لقب به همراه

۱. محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ص ۴۷۷. سند حدیث و متن آن بدین گونه آمده است: «أبو عمرو قال: سمعت حمدويه قال: زرعة بن محمد الحضرمي واقفي حدثني علي بن محمد بن قتيبة قال حدثني الفضل قال حدثنا محمد بن الحسن الواسطي و محمد بن يونس قالوا حدثنا الحسن بن قياما الص يرفي قال سألت أبا الحسن الرضا فقلت جعلت فداك ما فعل أبوك؟ قال مضى كما مضى أباءه عليهم السلام قلت فكيف أصنع بحديث حدثني به زرعة بن محمد الحضرمي عن سماعة بن مهران أن أبا عبد الله قال إن ابني هذا فيه شبهة من خمسة أنبياء يحسد كما حسد يوسف و يغيب كما غاب يونس و ذكر ثلاثة آخر؟ قال كذب زرعة ليس هكذا حديث سماعة إنما قال صاحب هذا الأمر يعني القائم فيه شبهة من خمسة أنبياء و لم يقل ابني.»

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۱.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۰.

مضاف با گونه‌های متعدد ذکر شده است. ترکیب‌های «قائما»<sup>۱</sup>، «قائم آل محمد»<sup>۲</sup>، «القائم من اهل بیتی»<sup>۳</sup>، «قائم العدل»<sup>۴</sup>، «القائم بالحق»<sup>۵</sup>، «القائم بالسیف»<sup>۶</sup>، «القائم بالقسط»<sup>۷</sup>، «القائم المامل»<sup>۸</sup> و «قائم امتی»<sup>۹</sup>؛ از مهم‌ترین مواردند. از میان این نه گونه، صرف نظر از خود واژه قائم به نظر می‌رسد ترکیب «قائم آل محمد» بیش‌ترین تعداد روایات را به خود اختصاص داده است. با توجه به حجم انبوه روایات امام مهدی با واژه قائم، گفتنی است:

اسم قائم مانند اسم پیامبر<sup>۱۰</sup> است، ولی برده نمی‌شود<sup>۱۱</sup>. وی نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است؛<sup>۱۲</sup> دارای عمری طولانی<sup>۱۳</sup> است و برای ظهورش زمانی مشخص نگردیده<sup>۱۴</sup>؛ اما شناخت و معرفت او دارای اهمیت فراوانی است؛ به طوری که معرفت به آن حضرت، به منزله حضور در خیمه ایشان<sup>۱۵</sup> و حتی شهادت در راه او شمرده شده است.<sup>۱۶</sup> ایشان دارای دو غیبت<sup>۱۷</sup> است؛ یکی قصیر و دیگری طویل.<sup>۱۸</sup> برای غیبت او علل و حکمتی است.<sup>۱۹</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

۲. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۵۹ و محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۴. احمد بن محمد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۶۱.

۵. جمعی از علما، اصول سته عشر، اصل عصفوری، ص ۱۵.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۰.

۷. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۵.

۸. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۷.

۹. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۲. رک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۵.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۳۶۸.

۱۴. احمد بن محمد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۵۶.

۱۵. همان، ص ۱۷۳.

۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۱۷. همان، ص ۳۴۰.

قبل از ظهور قائم، علائمی مانند خروج یمانی، سفیانی، منادی آسمان، خسف بیدا، قتل نفس زکیه رخ خواهد داد؛<sup>۲</sup> هنگام ظهور به شکل یک جوان ظهور خواهد کرد؛<sup>۳</sup> میراث انبیای دیگر مانند لباس پیامبر، عصای موسی را به همراه دارد؛<sup>۴</sup> جبرئیل اولین بیعت کننده با اوست<sup>۵</sup> و پیروان او دو گروهند: گروهی همان سیصد و سیزده نفرند<sup>۶</sup> که بیش تر آنان جوان<sup>۷</sup> و گروهی دیگر رجعت کنندگان<sup>۸</sup> هستند. در این هنگام حضرت عیسی علیه السلام نزول و به قائم اقتدا خواهد کرد.<sup>۹</sup> در برخی روایات، سیره قائم مانند سیره امام علی علیه السلام شناخته شده است.<sup>۱۰</sup> رشد عقلانی مردم<sup>۱۱</sup> و اهتمام ویژه قائم به گسترش عدالت<sup>۱۲</sup> و احکام تعطیل شده مانند زکات،<sup>۱۳</sup> از دستاوردهای مادی و معنوی حکومت ایشان است. بی گمان در روایات دیگر مهدوی، با واژگان دیگری مانند «مهدی» توصیفات دیگری از قائم پایانی به دست خواهد آمد؛ اما آنچه ذکر شد، مجموعه ای از روایاتی بود که سخن از قائم در آن آمده و مراد از آن، امام مهدی است.

### ۱-۲-۳. بررسی ادله قائمیت امام مهدی

کاربرد فراوان واژه «القائم» موجب گردیده است که در برخورد اولیه ذهن با این واژه، نام امام مهدی به ذهن متبادر شود. زمانی که لفظ را به کار می‌بریم، اولین معنایی که از این لفظ به ذهن خطور

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۹.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸.

۴. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۷۶.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۵.

۶. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵.

۷. همان، ص ۳۱۶.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۳۳.

۹. همان، ج ۸، ص ۵۰.

۱۰. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۵۲.

۱۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵.

۱۲. احمد بن خالد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۶۱.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۸۷.

می‌کند، «تبادر» گویند که اصولیان آن را دلیلی بر معانی الفاظ دانسته‌اند. اگر قرینه‌ای خاص بر ائمه دیگر در آن وجود نداشته باشد، امام مهدی منحصر است؛ به طوری که اگر کسی بخواهد ادعا کند مراد از این قائم فرد دیگری است، باید قرینه‌ای قطعی ذکر کند. منشاء این تبادر دو دسته از روایات است:

### ۱-۲-۳. روایات مثبت قائمیت امام مهدی علیه السلام

مراد از روایات مثبت، آن دسته از گزارش‌هایی هستند که در آن‌ها واژه قائم به طور مطلق به کار رفته و در کنار آن قرائنی به کار رفته است که به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و اطلاق آن به غیر ایشان، به دلیل نیاز دارد. این روایات به چهار دسته قابل تقسیم‌اند:

الف) روایات عددی: مراد روایاتی هستند که در آن‌ها به تعدد ائمه اشاره شده و قائم به عنوان امام دوازدهم معرفی شده است.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «يَكُونُ تِسْعَةُ أئِمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِبُهُمْ قَائِمُهُمْ»<sup>۲</sup> بعد از حسین بن علی علیه السلام نه امام هستند و نهمین آن‌ها امام قائم علیه السلام است.»

باز حسین بن خالد می‌گوید: از امام رضا علیه السلام سوال کردم: «مَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي»؛ ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: «چهارمین از فرزندان من.»

حسین بن خالد در این‌جا از واژه «من القائم» در صدد پرسیدن این نکته است که مصداق قائم آن کیست؛ حضرت رضا علیه السلام در پاسخ به طور صریح و آشکار ایشان را چهارمین فرزندان خود معرفی و به طور ضمنی، قائمیت دیگران را نفی کرده است.

در روایات دیگری این لقب برای امام مهدی علیه السلام به کار رفته است؛ مانند: «اخْتَارَ مِنَ الْحُسَيْنِ الْأَوْصِيَاءَ تَأْسِبُهُمْ قَائِمُهُمْ وَ هُوَ ظَاهِرُهُمْ وَ بَاطِنُهُمْ»؛ القائم... هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى؛ قَائِمَنَا السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي.<sup>۱</sup>

۱. فراوانی این دسته از روایات و صراحت آن در امام دوازدهم به گونه‌ای است که از بررسی سندی آن پرهیز می‌شود.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان، ص ۳۴۵.



لَأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ<sup>۱</sup> ولادت قائم ما بر مردم پنهان است تا جایی که خواهند گفت هنوز متولد نشده است، وقتی که ظهور کند، بیعت کسی بر عهده‌اش نباشد.

طبق این روایت، ولادت قائم مخفی گردید؛ به گونه‌ای که برخی مورد تولد ایشان تردید می‌کنند. بر همین اساس است این شبهه در ذهن بسیاری از شیعیان وجود داشت که امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد و حتی تا زمان رحلت آن حضرت بسیاری بر این باور بودند. امام به منظور تبیین مقوله امامت و زدودن این شک و تردیدها از اذهان شیعیان، ولادت فرزند خویش را به اصحاب و شیعیان مورد اعتماد و وکیلان خویش اطلاع می‌داد و او را به آنان معرفی می‌کرد.<sup>۲</sup>

در این زمینه روایاتی دیگری وجود دارند که با الفاظ قائم و غیر آن به مسئله خفای ولادت اشاره می‌کنند.<sup>۳</sup>

ج) واژه قائم در روایات نهی از تسمیه

حکم نام بردن امام مهدی علیه السلام با نام مخصوص آن بزرگوار (م - ح - م - د) در روایات متعددی وارد شده است. در این روایات، این نهی گاهی با واژه قائم درباره امام مهدی علیه السلام به کار رفته است. از آن جا که حکم حرمت و عدم آن تنها درباره امام مهدی علیه السلام مورد بحث بوده،<sup>۴</sup> و جزء موارد اختصاصی آن امام به حساب می‌آید؛ واژگانی مانند قائم که در روایات به کار رفته‌اند به امام مهدی اختصاص دارند. به عنوان نمونه ریان بن صلت گوید: «وَسُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ لَا يُرَى جِسْمُهُ وَ لَا يُسَمَّى اسْمُهُ؛ چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود: «شخصش دیده نمی‌شود، نامش نیز نمی‌شود.»<sup>۵</sup>

در روایت از قائم خاص سوال شده است و حضرت نیز تنها درباره همان قائم فرمود: نامش برده

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۲.

۲. حسن حسین زاده شانه‌چی، اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری، ص ۵۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و ۳۴۲ و شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴، ص ۳۰۳.

۴. درباره حکم حرمت و عدم آن در منابع متعددی بحث شده است (ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸؛ شیخ حر عاملی، کشف التعمیه فی حکم التسمیه، علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۶؛ حسن بن محمد نوری، مستدرک

الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۷ و نجم الدین طبری، تا ظهور، ج ۱، ص ۶۶).

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳. شبیه همین روایت از ریان بن صلت در هدایه الکبری با ترکیب آشکارتر ذکر شده است: «يقول القائم المهدي بن الحسن لا يرى جسمه ولا يسمى باسمه» (حسین بن حمدان خصیبه، الهدایه الکبری، ص ۳۶۴).

نمی‌شود. حال اگر بخواهیم بدانیم این قائم کیست؛ باید روایات هم خانواده روایت مذکور ذکر شوند؛ بدین معنا که باید به سراغ روایاتی رفت که در آن‌ها از امام مهدی و نیز نهی از تسمیه ذکر شده باشد تا از این طریق قائم مشخص شود:

از باب نمونه داود بن قاسم جعفری می‌گوید: از امام هادی علیه السلام چنین شنیدم:  
الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ  
قَالَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لَا يَجِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ؛<sup>۱</sup> «جانشین پس از من حسن است.  
حال شما چگونه خواهد بود، نسبت به جانشین بعد از آن جانشین؟» عرض کردم: برای چه،  
خدایم قربانت کند؟ حضرت فرمود: «زیرا شما خود او را نمی‌بینید و برای شما روا نیست که او  
را به نامش یاد کنید.»

بر اساس این روایت، آشکارا امام دوازدهم جانشین امام عسکری علیه السلام است و از بردن نام او نهی شده است.

(د) واژه قائم در روایات غیبت امام مهدی دسته‌ای دیگر از روایاتی که در آن‌ها واژه قائم به طور مطلق به کار رفته است، روایاتی هستند که به موضوع غیبت اشاره دارند که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود: در حدیثی از امام جواد علیه السلام آمده است:

الْقَائِمُ مَنْ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ  
الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؟ قائم ما همان مهدی است؛ کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و  
در ظهورش او را فرمان برند و او سومین از فرزندان من است.

امام جواد علیه السلام در این روایت، قائم را از سومین فرزندان خود دانسته است. بدیهی است سومین همان دوازدهمین امام خواهد بود و به امام مهدی علیه السلام منحصر است.<sup>۳</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ۳۳۳-۳۳۴.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. نمونه‌های دیگر که با ترکیب غیبت و قائم آمده است: ر.ک محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۱؛ شیخ

طوسی، الغیبه، ص ۱۰۹-۱۶۳؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۴۶-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۳-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۹۱ و شیخ

صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱-۳۲۳-۳۲۶.

از این چند دسته روایات آشکار می‌شود که منظور از قائم به طور مطلق امام مهدی علیه السلام است، نه فردی دیگر.

## ۲-۱-۲-۳. روایات نافی قائمیت یازده معصوم

روایاتی در منابع شیعی وجود دارند، مبنی بر این که اصحاب ائمه در جست وجوی قائم بوده‌اند، یا با توجه به برخی از اوضاع و احوال زمانه، مانند تغییر دولت‌ها به سراغ اهل بیت علیهم السلام می‌رفتند و درباره قائم خروج کننده سوال می‌کردند. امامان معصوم افزون بر این که حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان قائم معرفی کرده‌اند، قائمیت را از خود منتفی دانسته‌اند؛ مثلاً:

### الف) نفی قائمیت امام باقر علیه السلام

در دوران امام باقر علیه السلام با توجه به تغییرات حاکمان، این سوال به ذهن برخی از اطرافیان امام، از جمله عبدالله بن عطا وجود داشت که خروج قائم چه زمانی است و مصداق آن چه فردی است. بر همین اساس، وی به امام گفت:

أَخْبِرْنِي عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا هُوَ أَنَا وَ لَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقُكُمْ وَ لَا يُعْرِفُ وَ لَا دُنْتُهُ قُلْتُ بِمَا يَسِيرُ قَالَ بِمَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ص هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَ اسْتَقْبَلَ! [از امام باقر پرسیدم:] از امام قائم مرا خبر بده! حضرت فرمود: «به خدا قسم او نه منم و نه آن کس که شما گردن‌ها به سوی او می‌کشید. زادگاه او شناخته نشود.» گفتم: رفتارش چگونه خواهد بود؟ حضرت فرمود: «همان رفتار که رسول خدا داشت.»

در این روایت سؤال از قائم خاص است و حضرت به او خبر می‌دهد: قائمی که منتظر خروج او هستید، فرد دیگری است و برای وی مشخصاتی مانند عدم شناخت و ولادت او ذکر شده است.

در روایتی دیگر، حکم بن ابی نعیم می‌گوید:

در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض گفتم: من بین رکن و مقام خانه کعبه نذر کرده و به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم تا زمانی که بدانم شما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هستی یا نه. حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. من سی روز در مدینه بودم؛ سپس در بین راهی به من برخورد و فرمود: «ای حکم! تو هنوز این جا هستی؟» گفتم: آری؛

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۹.



من نذری که کرده‌ام، به شما گفتم و شما مرا امر و نهی و پاسخی نفرمودی. فرمود: «فردا صبح زود منزل من بیا.» فردا خدمتش رفتم، فرمود: «مطلبت را بپرس.» گفتم: من بین رکن و مقام نذر کرده و روزه و صدقه‌ای برای خدا به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بیرون بروم، جز آن که بدانم شما قائم آل محمد هستی یا نه. اگر شما قائم هستی، ملازم خدمت باشم و اگر نیستی، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم. حضرت در ادامه فرمود:

حَكَمَ كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ قُلْتُ فَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ قَالَ كُنَّا نُهْدِي إِلَى اللَّهِ قُلْتُ فَأَنْتَ صَاحِبُ السَّيْفِ قَالَ كُنَّا صَاحِبُ السَّيْفِ وَ وَاثِرُ السَّيْفِ قُلْتُ فَأَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ يَعِزُّ بِكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ يَطْهَرُ بِكَ دِينَ اللَّهِ فَقَالَ يَا حَكَمُ كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَ قَدْ بَلَغْتُ حَمْسًا وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ إِنْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَ أَحَفُّ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ! «ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.» گفتم: شما مهدی هستی؟ حضرت فرمود: «همه ما به سوی خدا هدایت می‌کنیم.» گفتم: شما صاحب شمشیری؟ حضرت فرمود: «همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیریم [= شمشیر پیغمبر به ما به ارث رسیده و همراه ماست].» گفتم: شما هستی آن که دشمنان خدا را می‌کشی و دوستان خدا به وسیله شما عزیز می‌شوند و دین خدا آشکار می‌گردد؟ حضرت فرمود: «ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به ۴۵ سالگی رسیده‌ام و حال آنکه صاحب این امر [که تو در مورد وی می‌پرسی] از من به دوران شیرخوارگی نزدیک‌تر و هنگام سواری چالاک‌تر است.»

در این روایت، حکم بن ابی نعیم از واژه قائم در سؤال خود استفاده کرده است و امام باقر علیه السلام برای این که مفهوم قائم را کاملاً برای وی آشکار کند، ابتدا همه امامان را قائم خوانده و در انتها قائمیت خاص را از خود نفی کرده و به ویژگی قائم اصلی پرداخته است. طبق روایات، این فرد امام دوازدهم علیه السلام است که در دوران ظهور از چهل سال کم‌تر دارد که خداوند او را در صورت جوانی که از چهل سال کم‌تر دارد، ظاهر می‌کند.<sup>۲</sup>

### ب) نفی قائمیت امام موسی بن جعفر علیه السلام

آن گونه که در مطالب گذشته ذکر شد، برخی به قائمیت امام کاظم علیه السلام قائل بودند که «واقفه» نام

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶.

گرفتند. گزارش‌ها گویای آن است که اصحابی مانند یونس بن عبدالرحمن در زمان حیات امام کاظم علیه السلام دغدغه ذهنی خود را چنین پرسش کرده‌اند:

بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ عَيْبَةٌ يَطْوُلُ أَمْدَهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُثُ فِيهَا آخَرُونَ ثُمَّ قَالَ ع طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي عَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِينَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ فَذَرُّوا بَنَا أُمَّةٍ وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۱</sup> حضرت فرمود: «من قائم به حق هستیم؛ و لیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک و آن را از عدل و داد آکنده می‌کند؛ هم‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد؛ او پنجمین از فرزندان [= از نسل] من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر نفس خود می‌هراسد. اقوامی در آن غیبت مرتد می‌شوند و اقوامی دیگر در آن ثابت‌قدم خواهند بود.» سپس فرمود: «خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ما متمسک هستند و بر دوستی ما و بی‌زاری از دشمنان ما ثابت‌قدم‌اند. آن‌ها از ما هستند و ما از آن‌ها هستیم. آن‌ها ما را به امامت پذیرفته‌اند و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان پذیرفته‌ایم. پس خوشا بر احوال آن‌ها و خوشا بر احوال آن‌ها! به خدا سوگند آنان در روز قیامت هم درجه ما هستند.»

بر اساس این روایت، امام آشکارا، قائم پایانی را کسی می‌داند که با دشمنان خداوند مبارزه می‌کند و عدالت را گسترش می‌دهد و او پنجمین فرزندان از نسل امام است.<sup>۲</sup>

### ج) نفی قائمیت امام جواد

دیگر امامی که درباره قائمیت او در میان یارانش سؤال وجود داشته؛ امام جواد علیه السلام است عبدالعظیم بن عبد الله حسنی می‌گوید: به محمد بن علی بن موسی علیه السلام گفتم: «من امیدوارم شما همان قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله باشید که زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان‌که از جور و ستم پر شده است.» حضرت

۱. همان، ج ۲، ص ۳۶۱. نمونه دیگر: حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۷۴.

فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ مَا مِنَّا إِلَّا وَ هُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ  
الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُودِ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ  
قِسْطًا هُوَ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دَنُتُهُ وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمْ  
تَسْمِيَّتَهُ؛ ای ابو القاسم! نیست امامی از ما جز آن که قائم به امر خدای عز و جل است و رهبر  
به دین خداست؛ ولی قائمی که به وسیله او خدای عز و جل زمین را از اهل کفر و جود پاک  
و آن را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان کسی است که ولادتش بر مردم نهان و شخصش از  
دیده‌ها پنهان و بردن نامش بر آن‌ها حرام و او همانم و هم کینه رسول خداست.»

این روایت نیز مثل روایات قبل، ضمن قائمیت اهل بیت، قائم پایانی را فرد دیگری مطرح کرده که  
دارای شاخصه‌هایی است مانند خفای ولادت و حرمت تسمیه.

مجموعه‌ای از روایات از نظر گذشت و در تمام آن‌ها، اهل بیت، قائمیت به معنای عدالت گستر  
پایانی را از خود نفی کرده و آن را به امام مهدی منحصر دانسته‌اند. به نظر می‌رسد این عقیده در بین  
اصحاب شایع بوده است. که قائمی وجود خواهد داشت و در واقع، اصلش را مسلم می‌دانستند؛ اما در  
مصدق آن از اهل بیت سؤال می‌کردند که در ذهن آنان به فردی خاص ناظر است. زیرا در سؤال حکم  
بن ابی نعیم، بعد از پرسش قائمیت، مسئله مهدی و صاحب السیف بودن او مطرح شده و امام در  
نهایت این ویژگی‌ها را در موعود پایانی برای مخاطب خود ترسیم کرده است. با این وصف، می‌توان  
ادعا کرد این واژه در همان دوران معصوم به عنوان یک «اصطلاح» برای موعود پایانی و منحصر به  
ایشان به کار رفته است.

گویا از آن‌جا که «قیام» حضرت مهدی علیه السلام درخشان‌ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این  
صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام تصریح شده است؛ چرا که اقامه و احیای حق و دفع  
باطل، از مبانی حکومت مهدوی است و مهم‌ترین علت اتصاف آن حضرت به لقب قائم، آن است که  
وی در برابر اوضاع سیاسی و انحرفات دینی و اجتماعی، بزرگ‌ترین قیام تاریخ را رهبری و حق و  
عدالت را در سرتاسر گیتی اقامه می‌کند. بر همین اساس، روایات در وجه تسمیه امام مهدی به قائم بر

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

همین نکته تأکید دارند<sup>۱</sup>.

---

۱. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

## نتیجه گیری

با نگاهی اجمالی به بسیاری از اسناد و متون روایی شیعه، به این نکته رهنمون می‌شویم که در این متون، لقب معروف امام دوازدهم، «قائم» عنوان شده است. در منابع اهل سنت تنها یک گروه از آنها که معمولاً از آنان به «سنی‌های متشیع» یاد می‌شود، این لقب را در منابع خود با استناد به منابع شیعی نقل کرده‌اند.

با نگاه مصداق‌شناسی، قائم در روایت دارای دو کاربرد مهم است:

۱. کاربرد عام: مراد از قائم در این کاربرد، «اهل بیت» می‌باشند؛ تمامی اهل بیت قائمند؛ اما مراد از قائم، قیام کننده به امر امامت و کسی است که در اوامر و نواهی الهی نسبت به شیعیان خود کوتاهی نمی‌کند.

۲. کاربرد خاص: کاربرد این قائم به «امام مهدی» منحصر است؛ چرا که به سبب کار بست فراوان آن در امام مهدی علیه السلام هر گاه از آن یاد می‌شود، به ایشان انصراف دارد؛ مگر آن که قرینه ای برخلاف آن وجود داشته باشد. از طرفی دیگر، برای قائمیت فرد یا افراد دیگری در این دوران، روایتی صریح و آشکار وجود ندارد و یا حداقل در روایات اشاره به دو قائم در دوران امام عصر ملاحظه نمی‌شود. به عبارت دیگر، در روایات، واژه‌هایی مانند «قائمان» (دو قائم) وجود ندارد که یکی را بر امام مهدی و دیگری را بر افراد دیگر بتوان تطبیق داد.

## منابع

۱. ابن أبي زینب، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵.
۳. \_\_\_\_\_، *عیون أخبار الرضا علیّه*، مصحح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸ ق، اول.
۴. ابن صباح، علی بن محمد، *الفصول المهمة في معرفة الاثمة*، غیری، سامی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، محقق: جمال الدین میردامادی، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶. أبو القاسم الطبرانی، *المعجم الكبير*، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة الأولى، القاهرة، ۱۴۱۵ ق.
۷. أبو بکر بن أبي شيبه، *الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار*، محقق: کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد - الطبعة الاولى، الرياض، ۱۴۰۹ ق.
۸. أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق، سنن أبي داود، محمد محيي الدين عبد الحميد، *المكتبة العصرية*، صيدا - بيروت. بی تا.
۹. أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، مؤسسة الرسالة، الأولى، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، *سنن ابن ماجه*، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، ناشردار الرسالة العالمية، الأولى، ۱۴۳۰ ق.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسين، *مقاتل الطالبین*، شرح و تحقیق سیداحمد صقر، دوم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۸۷ م.
۱۲. احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۱ ش.

۱۳. اشراق خاوری، *مطالع الانوار*، مؤسسه مرآت، بی‌جا، ۱۹۹۱ م.
۱۴. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، النوادر (للاشعری)، محقق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، مصحح: محمدجواد مشکور، مترجم: یوسف فضایی، آشیانه کتاب، چاپ اول، تهران ۱۳۸۲.
۱۶. بستوی، عبدالعلیم، *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الاثار الصحیحه*، دار ابن حزم، مکه مکرمه، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. جعفریان، رسول، *مهدیان دروغین*، نشر علم، ۱۳۹۱.
۱۸. حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیه - بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *کشف التعمیه فی حکم التسمیه*، محقق: مهدی حمد فتلاوی، دار الهادی، بیروت ۱۴۲۵ ق.
۲۰. مصطفوی تبریزی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن، *اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغری*، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶.
۲۲. حمیری، عبد الله بن جعفری، *قرب الاسناد*، مصحح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایه الاثر*، مصحح: حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، مؤسسة البلاغ، بیروت، ۱۳۷۷.
۲۵. دفتری، فرهاد، *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه*، مترجم: فریدون بدره‌ای، فروزان روز، تهران، ۱۳۹۳.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق / مصحح: صفوان عدنان داوودی، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۲۷. رضا سرور و غلامرضا رئیس‌یان، *واکاوی مفهوم و مصداق واژه قائم در احادیث اهل بیت علیهم السلام* و فصلنامه علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، شماره ۱۱، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۹۳.
۲۸. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، محقق: محمد حسن، آل یاسین، عالم الکتاب، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)*، محقق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. طبسی، نجم الدین، *تا ظهور، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)*، تهران، ۱۳۸۸.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. \_\_\_\_\_، *الغیبة*، محققان: عباد الله تهران و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ ق.
۳۳. عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر أبو عمرو الدانی، *السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشراتها*، المحقق: د. رضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، دار العاصمة - الأولى، الرياض، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. عده‌ای از علماء، *الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)*، دار الشبستری للمطبوعات، قم، ۱۳۶۳.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر: المطبعة العلمية، تهران.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. فیضی، حضرت نقطه اولی، *آلمان*، لجنه ملی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی ۱۹۸۶.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر التمیمی*، محقق: طیب، موسوی جزائری، دار الکتاب، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لدوي القربی*، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۲ ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.



۴۱. کشی، محمد بن عمر، رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، محقق: طوسی، محمد بن الحسن مصطفوی، حسن، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، محقق: غلامرضا عرفانیان یزدی، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۲ ق.
۴۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، محقق: محمد، کاظم، مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، محمد بن محمد مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محقق مؤسسة آل البيت عليه السلام، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق / مصحح: جلال الدین، محدث، دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
۴۶. محمد اف، قدیر، مقایسه تطبیقی اندیشه مهدویت از دیدگاه اسماعیله و امامیه، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۰.
۴۷. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، با مقدمه و توضیحات کاظم مدیرشانهچی، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۲.
۴۸. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیق: محمد جواد مشکور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱.
۴۹. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهاللی، محقق: محمد انصاری زنجانی خوئینی، الهادی، قم ۱۴۰۵ ق.

